



پژوهش‌های فلسفی

سال ۱۰ / شماره ۱۸ / بهار و تابستان ۱۳۹۵

بررسی عقلانیت و ایمان از نگاه رابرت آئودی*

علیرضا دُری نوگورانی**

دانشجوی دکتری فلسفه دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

رابرت آئودی، معرفت‌شناس بنام معاصر، رویکرد متفاوتی را در بررسی عقلانیت ایمان در پیش گرفته است که سزاوار طرح و بررسی است. آئودی کوشیده است با نگاهی متفاوت به ماهیت ایمان و تمرکز بر ایمان غیراعتقادی که قابل تقلیل به باور نیست و متمایز دانستن عقلانیت از توجیه، نشان دهد طلب عقلانیتی که با عقلانیت باور در معرفت‌شناسی متناسب است، برای ایمان غیراعتقادی نادرست است و ایمان غیراعتقادی عقلانیت متناسب با خود را داراست. بخش عمده کار آئودی معطوف به بازتعریف ایمان و عقلانیت است که از هر دو جنبه انتقاداتی به دیدگاه او وارد است. از جمله اینکه ویژگی‌های ایمان موردنظر آئودی تا حدی مبهم هستند. بعلاوه، هیچ نگرش شناختی‌ای وجود ندارد که دارای همه آن ویژگی‌ها باشد. به نظر می‌رسد ایمان پیشنهادی آئودی، زاویه تنیدی با مفهوم ایمان در ادیانی مثل مسیحیت و اسلام دارد. با توجه این مشکلات و برخی مشکلات دیگر نظریه آئودی که در این مقاله به آن اشاره شده است، به نظر نمی‌رسد تلاش او قرین موفقیت کامل باشد.

واژگان کلیدی: ایمان، باور، عقلانیت، توجیه، مصالحه درونی، مصالحه بیرونی، رابرت آئودی.

* تاریخ وصول: ۹۴/۸/۱۹ تأیید نهایی: ۹۵/۱/۱۶

** Email: a.dorri@yahoo.com

۱. بیان مسئله

بر اساس دیدگاه غالب در معرفت‌شناسی و مخصوصاً از منظر مخالفان خداباوری، ایمان به «گ»^۱ مستلزم باور به «گ» یا مساوی با آن و عقلانیت معادل با توجیه قلمداد می‌شود. به همین دلیل، تنها راه یا، دست‌کم، مسیر اصلی نشان دادن عقلانیت/ایمان به «گ»، ارائه توجیه برای صدق باور به گزاره «گ» تلقی شده است. مسئله این است که اگر بنا نباشد دلیل‌گرایی یکسره کنار گذاشته شود، آیا تنها راه نشان دادن عقلانیت ایمان همین مسیر است؟ آئودی در این میان مسیر متفاوتی را پیشنهاد می‌کند. دیدگاه او چند تفاوت مهم با دیگران دارد که سزاوار بررسی است.

۱. او، خلاف مشهور، معتقد است ایمان به گزاره «گ» مستلزم باور به آن گزاره نیست؛ لذا عقلانیت ایمان با عقلانیت باور متفاوت است.

۲. او عقلانیت و توجیه را دو مفهوم مساوی نمی‌داند.^۲ معیارهایی که برای عقلانیت ایمان لازم است نسبت به توجیه ایمان کم‌تر سخت‌گیرانه است.

۳. آئودی میان عقلانیت تعهد دینی، به‌طور کلی، و عقلانیت تعهد دینی شناختی تمایز قائل است. به این معنا که آئودی توجه دارد که تعهد دینی ابعاد مهم دیگری مانند بُعد رفتاری، بعد نگرشی (attitudinal) و بعد احساسی نیز دارد (Audi, 2011: xi) و اگر از عقلانیت ایمان گزاره‌ای که مهم‌ترین یا شاید تنها بُعد شناختی تعهد دینی است، سخن گفته می‌شود، همچنان ابعاد دیگری از عقلانیت تعهد دینی به‌طور کلی باقی‌مانده است که از آن‌ها سخنی گفته نشده است.

۴. آئودی بین دو نوع مصالحه بین عقل و ایمان نیز تمایز قائل می‌شود؛ یکی مصالحه درونی و دیگری مصالحه بیرونی. در مصالحه درونی لازم است بین گزاره‌هایی که فرد مؤمن به آن‌ها ایمان دارد و عقلانیت سازگاری باشد؛ ولی در مصالحه بیرونی باید بین برخی گزاره‌ها که به‌عنوان گزاره‌های مورد قبول مؤمنین هستند (نه یک مؤمن خاص) با عقلانیت به نحوی که مورد قبول یک فرد شکاک معتدل یا فردی که نسبت به خداباوری خنثی است، سازگاری وجود داشته باشد. آئودی در کلان طرح (پروژه) خود بر مصالحه درونی تأکید می‌کند (Ibid, 1991: 221).

در این مقاله، دیدگاه آئودی درباره ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی و عقلانیت بررسی شده است و نشان داده شده است که چگونه از نظر او میان عقلانیت و ایمان می‌تواند آشتی برقرار باشد. برای درک بهتر موضع آئودی، لازم است ابتدا از دیدگاه او درباره الهیات طبیعی و شکاکیت اطلاع حاصل کرد.

۲. پیش‌فرض‌ها یا دانش‌های پس‌زمینه‌ای

۱.۲. انتقاد به الهیات طبیعی

آئودی معتقد است تجربه‌گرایی^۳ و به‌طور کلی الهیات طبیعی که می‌کوشید استدلال‌هایی را برای وجود خداوند اقامه کند با مشکلاتی مواجه است.^۴ او شک دارد که این دو جریان توانسته باشند باورهای دینی را توجیه کنند؛ اما به فرض که موفق بوده باشند، موفقیت آن‌ها بر نوعی توجیه استوار است که همه دین‌داران فاقد آن هستند یا اساساً در دسترس آن‌ها نیست. در نتیجه، اگر صرفاً تجربه‌های دینی، باورهای خداپاورانه را توجیه کنند، تنها برخی از مردم می‌توانند ایمان دینی داشته باشند (Ibid: 222) (Audi, 1992: 69-78). آئودی ضمن پذیرش تأثیر الهیات طبیعی، بر این باور است که عقلانیت تعهد دینی شناختی (cognitive religious commitment) (که مهم‌ترین عنصر آن یا تنها عنصر آن ایمان است) مبتنی بر استدلال‌های الهیات طبیعی یا تجربه‌گرایی نیست یا دست‌کم تنها مبتنی بر آن‌ها نیست (Audi, 1991: 237, fn 16)

۲.۲. موضع‌گیری در برابر شکاکیت

جریان دیگری که بر روی مسئله معرفت، عقلانیت و به دنبال آن عقلانیت ایمان اثرگذار بوده است، جریان شکاکیت است. آئودی بارها به این نکته اشاره می‌کند که سایه شکاکیت بر معرفت‌شناسی باعث بروز برخی رویکردهای نادرست در بحث عقلانیت ایمان شده است؛ برای نمونه، باعث شده است معیارهای معرفتی در سطح بالایی قرار بگیرد و این استانداردهای بالا منجر به یکی دانستن توجیه و عقلانیت شده است. درحالی‌که بحث عقلانیت و به‌طور خاص عقلانیت ایمان باید فارغ از شکاکیت تعریف شود (Audi, 1991: 220, 228). البته آئودی

ibid: 235, 214; کند) را گرفتار ساده‌لوحی کند (1992: 52-54).

۳. مفاهیم

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، تلاش اصلی آئودی معطوف بررسی ماهیت ایمان و عقلانیت و بازتعریف آن‌ها در قالبی جدید است. در این راستا، یکی از مهم‌ترین بخش‌های مقاله حاضر وضوح بخشیدن به تصویر آئودی از ایمان و عقلانیت است.

۳.۱. ایمان از نظر آئودی

آئودی در یک دسته‌بندی^۵، ایمان را به دو نوع ایمان نگرشی (Attitudinal Faith)، ایمان گزاره‌ای (Propositional Faith) تقسیم می‌کند (Audi, 2008: 95). از نظر او ایمان نگرشی ایمانی به یک موجود مانند انسان، موسسه یا خداوند است. این نوع ایمان معادل تکیه کردن یا اطمینان داشتن قلمداد می‌شود (Audi, 1991: 215; 1992: 57). در این مورد، فرد ایمان خود را این‌گونه اظهار می‌کند: «من به علی ایمان دارم» یا «من به خداوند ایمان دارم». اما ایمان گزاره‌ای معمولاً در قالب «ایمان دارم که ...» بیان می‌شود؛ برای نمونه، «ایمان دارم که دوست من بهبود پیدا می‌کند» یا «ایمان دارم که خداوند ما را دوست دارد.» (ibid) ایمان گزاره‌ای نیز به دو دسته اعتقادی (Doxastic Faith) که مستلزم باور است و غیراعتقادی^۶ (Non-Doxastic Faith (NDF) که مستلزم باور نیست تقسیم می‌شود (Audi, 2008: 92). آئودی نه ایمان نگرشی نه ایمان گزاره‌ای را مستلزم «باور» به متعلق گزاره‌ای آن‌ها نمی‌داند (Audi, 1991: 228; 2008: 93, 100-101). البته او می‌پذیرد که در برخی موارد ایمان گزاره‌ای مستلزم باور است؛ اما معتقد است در بسیاری از موارد این‌گونه نیست (Audi, 1992: 79) آئودی در بحث خود بیشتر بر «ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی» متمرکز است؛ مثلاً ایمان به اینکه خداوند انسان‌ها را دوست دارد یا خداوند برای انسان‌ها برنامه خاصی دارد.

با مروری بر آثار آئودی می‌توان چهار شبکه معنایی مرتبط با ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی تشکیل داد که تصویر جامعی از این مفهوم بدست می‌دهد.^۷ این چهار شبکه عبارت‌اند از:

ایمان چه چیزهایی نیست، ایمان چه چیزهایی هست، برخی مفاهیمی که رابطه ضعیف‌تری با ایمان دارند و در نهایت شباهت‌های ایمان و باور.

الف. ایمان غیراعتقادی چه چیزی نیست: (Alston, 2007: 124)

۱. «باور صرف و مطلق (flat-out)»^۸: (Audi, 1992: 57-58, 79; 1993: 69-70; 2011: 322-323, 330; 2003: 74) به نظر آئودی، ایمان غیراعتقادی مستلزم یا مساوی باور صرف و مطلق نیست (Audi, 1991: 215). آئودی با به کار بردن قید «صرف و محض» برای باور، آن را در مقابل انواع دیگری از گرایش‌های (attitudes) ذهنی قرار می‌دهد که ممکن بود با باور مطلق جمع شوند؛ اما با آن متفاوت هستند؛ مثلاً باور احتمالی در ادامه، به این گرایش‌های ذهنی اشاره می‌شود.

- «باور به اینکه گزاره «گ» محتمل است» (Audi, 1992: 57-58)
- «باور همراه با اطمینان به گزاره «گ»؛ آئودی باور به اینکه «گ»، یقینی است را مساوی با هیچ نوعی از باور کردن نمی‌داند، با این حال، معتقد است که از این نگرش می‌توان دست‌کم در مورد انسانی عقلایی، باور به گ را نتیجه گرفت (Audi, 1992: 58).
- «تا حدی باور به گزاره «گ»؛ باور کردن امری مشکک است؛ به این معنا که از عدم باور تا باور همراه یقین طیفی وجود دارد که «تا حدی باور کردن» در میانه این طیف قرار دارد. آئودی تعهد شناختی کامل را مشخصه باور صرف و مطلق می‌داند؛ اما «تا حدی باور به گزاره «گ» ممکن است تا حدی صدق گزاره گ را نتیجه دهد؛ اما تعهد شناختی کامل را در بر ندارد؛ لذا با باور مطلق متفاوت است. (همان)
- «پذیرفتن گزاره «گ»، به معنای درست فرض کردن «گ»^۹؛ درست فرض کردن گزاره «گ» مستلزم باور به گزاره گ نیست؛ لذا نمی‌توان آن را با باور صرف و مطلق مساوی دانست. (همان)

— «تمایل یا گرایش (disposition) به باور به صدق گزاره «گ»؛ تمایل به باور به صدق گزاره «گ» ویژگی تعهد شناختی کامل را که باور مطلق باید دارا باشد ندارد. به‌عنوان مثال، اگر فردی ایمان دارد که «خداوند انسانیت را دوست دارد»، تمایل مثبت خاصی دارد که واقعاً این‌گونه است. تمایل چیزی قوی‌تر از امید است، اما نمی‌توان از آن باور را استنتاج کرد (Audi, 2008: 93). تمایل در واقع نوعی آمادگی برای باور صدق گزاره «گ» است (Audi, 1992: 58).

— و درنهایت، «باور ضمنی به گزاره «گ»؛ از آنجاکه فردی ممکن است نتواند به کمک روابط منطقی نتیجه گزاره‌ای مشروط را باوجود صدق شرط آن استنتاج کند، باور ضمنی نیز مستلزم باور صرف و مطلق نیست. (همان) نمونه‌ای برای باور ضمنی این است که فردی گزاره ب را به‌صورت مشروط باور دارد؛ یعنی گزاره ب را باور خواهد داشت اگر الف را باور داشته باشد. او الف را باور دارد اما صریحاً ب را باور ندارد؛ زیرا هنوز باور به الف و باور به ب را در کنار هم در نظر نگرفته است (Ibid: 5).

۲. «احساس اطمینان»: بر اساس ویژگی دوم، ایمان غیراعتقادی با عدم احساس اطمینان و یقین نسبت به صدق گزاره «گ» سازگار است؛ حتی با این باور که «این‌گونه نیست که گزاره «گ» با احتمال زیادی صادق باشد» نیز سازگار است (Audi, 1992: 59; 2003: 334).

۳. «موقعیتی برای اشتباه کردن (mistake) یا نادرست عمل کردن»: این ویژگی در بخش «ایمان مستلزم باور نیست»، در نکته دوم توضیح داده خواهد شد (Audi, 1992: 60; 1991: 217).

۴. «باور گزاره «گ»» به همراه نگرشی مثبت نسبت به صدق «گ» (Ibid, 1992: 62; 1991: 218).

۵. «موضوع (object) گزاره‌ای کاملاً پذیرفته شده داشتن»: بر اساس این ویژگی، فرد صاحب ایمان غیراعتقادی لزومی ندارد، صدق گزاره «گ» را کاملاً پذیرفته باشد (Ibid, 1992: 80; 1991: 223).

۶. «متضمن وجود موضوع (متعلق) (object) است»: بر اساس ویژگی ششم، ایمان غیراعتقادی فرد به اینکه مثلاً خداوند انسان‌ها را دوست دارد، متضمن این واقعیت نیست که خداوند وجود دارد (Ibid, 2003: 326- 327; 1993: 77-78).
۷. «تعهد عقلی (intellectual) به موضوع گزاره‌ای‌اش»: بر اساس ویژگی هفتم، ایمان غیراعتقادی به گزاره «گ»، «از منظر شناختی، به‌جای تعهد عقلی به موضوع گزاره «گ»، تنها تمایلی نیرومند در فرد عاقل است.» (Ibid, 2003: 336;) (2008:100).
۸. «باور موقتی (tentative) به اینکه گزاره «گ»» (Ibid, 1992: 61).
۹. «باور ضعیف به اینکه «گ»» (Audi, 1992: 79; 1991: 223; 2003:) (334) باور ضعیف به‌طور معمول به معنای عدم اطمینان بخشی یا به معنای مستحکم نبودن یا عدم پایداری در برابر فراموشی و از بین رفتن در طول زمان یا فروریزی آسان در برابر ادله مخالف است؛ ولی ایمان ضعیف، ایمانی نیست که صدق متعلق گزاره آن احتمال کمی داشته باشد؛ بلکه ضعیف‌بودن ایمان به فقدان نیروی پشتیبانی‌کننده رفتار، احساسات و شناخت صاحب ایمان مربوط است. ایمان عمیق می‌تواند شک‌های فرد در مورد «عشق خداوند» یا «خیرخواه بودن» را فرونشاند؛ ایمان غیراعتقادی می‌تواند تمام زندگی فرد را در برگیرد و فراموش نشود؛ در مقابل دلایل مخالف خود به‌آسانی تسلیم نشود، در صورتی که باور ضعیف این ویژگی‌ها را ندارد. (Audi, 1991: 223)
۱۰. «باور به اینکه «گ» احتمالاً درست است.» باور احتمالی به گزاره گ با ایمان غیراعتقادی به آن سازگار است و از طرف دیگر، فقدان باور مطلق به گزاره گ، فقدان باور احتمالی به آن را به همراه دارد. اما در هر حال، ایمان مستلزم باور احتمالی نیست (Ibid, 1992: 83). برخی ممکن است تشکیل باورهای احتمالی در مورد موضوعات غایی را حتی بی‌ارتباط یا از نظر عقلانی (intellectually) نادرست بدانند (Ibid, 1991: 227,223). اساساً تخمین احتمال در مورد چنین موضوعاتی چگونه ممکن است؛ مثلاً تخمین احتمال در مورد اینکه خداوند انسان‌ها را دوست دارد (Ibid: 226).

ب. ایمان غیراعتقادی چه چیزی هست: (Alston, 2007, p.125)

۱. «ناسازگار با باور نداشتن به گزاره «گ»»: بر اساس این ویژگی، می‌توان گفت مطمئناً ایمان به گزاره «گ» با عدم باور به آن ناسازگار است. (Audi, 1992: 58;)
(1991: 216; 1993: 75; 2003: 323, 332-333)
۲. «شناختی (cognitive) به معنای داشتن متعلق گزاره‌ای دارای ارزش صدق»: بر اساس ویژگی دوم، ایمان غیراعتقادی به گزاره «گ» شناختی است؛ به این معنا که گزاره «گ» گزاره‌ای دارای ارزش صدق است (Audi, 1992: 81,85-86;)
(1991: 225).
۳. «کافی برای اینکه فرد را دینی بدانیم وقتی که متعلق گزاره‌ای «گ» دینی است». این ویژگی، روشن است (Audi, 1993: 75).
۴. «جزء نگرشی مثبت دارد». بر اساس ویژگی چهارم، ایمان غیراعتقادی جزء نگرشی مثبتی را نسبت به صدق گزاره «گ» داراست (Audi, 1991: 225; 2003: 329).
به نظر می‌رسد، این نگرش مثبت، نوعی خوش‌بینی نسبت به صدق گزاره «گ» است. در مورد هشتم ایمان با نگرش مثبت یکی دانسته شده است.
۵. «متضمن تمایلی در باور به «گ» است». ویژگی پنجم در بخش بعدی (ایمان مستلزم باور نیست) توضیح داده خواهد شد (Audi, 1992: 58; 1991: 215-216;)
(2003: 331)
۶. «می‌تواند قوی و تزلزل‌ناپذیر (steadfast) باشد». (Audi, 1992, p.79)
۷. «اعتقادی راسخ (Conviction) را در بردارد». از نظر آئودی ممکن است فرد اعتقاد راسخی به این واقعیت داشته باشد که جهان قلمرو خداوند است و تعهد تزلزل‌ناپذیر و عمیقی به این مسئله داشته باشد؛ اما به آن باور نداشته باشد (Audi, 1992: 82-83; 1991: 223).
۸. «نگرشی مثبت (positive attitude) نسبت به یک گزاره است». (Audi, 1993: 75)
۹. «متضمن اعتمادی شناختی است». این مورد روشن است (Audi, 1992: 80,)
(1991: 224; 2003: 332).

برخی مفاهیمی که ارتباط ضعیف‌تری با مفهوم ایمان دارند: (Alston, 2007: 125)

۱. «حدّ شک به صدق گزاره «گ» را محدود می‌کند.» به این معنا که اگر شک در صدق گزاره «گ» از حدّی بیشتر شود، نگرش فرد از ایمان به امید تغییر می‌کند. (Audi, 1992: 59; 1991: 216; 1993: 75; 2003: 323-324, 333)
۲. «با شک، نسبت به باور، بیشتر سازگار است.» در بخش «ایمان مستلزم باور نیست» توضیح داده خواهد شد. (Audi, 1992: 60, 1991: 217)
۳. «نسبت به باور، مستلزم چیز کمتری برای توجیه یا عقلانیت است.» (توجیه و عقلانیت ایمان راحت‌تر به دست می‌آید) (Audi, 1992: 61, 64, 79, 80-84; 1991: 219, 222-223; 1993: 74; 2003: 336)
۴. «برای اذعان (avow) به گزاره «گ»، استنتاج از آن و کار بر اساس مبانی ایمان به «گ» در مورد ایمان تمایل کمتری نسبت به باور وجود دارد.» (Audi, 1992: 80; 1991: 224) به این معنا که برای استفاده از گزاره‌های متعلق ایمان، به‌عنوان مثال، در استنتاج‌های منطقی، تمایل کمتری وجود دارد.
۵. «اگر مشخص شود که «گ» کاذب است، در مورد باور نسبت به ایمان غیراعتقادی تمایل بیشتری برای تعجب کردن (surprised) وجود دارد.» (Audi, 1992: 60; 1991: 217; 2003: 333).
۶. «هرقدر به باور نزدیک‌تر می‌شویم، کمتر طبیعی است که از واژه «ایمان» استفاده کنیم.» به این معنا که اگر نگرش گزاره‌ای فرد به گزاره «خدا انسان‌ها را دوست دارد» از نوع ایمان غیراعتقادی باشد می‌تواند به‌خوبی این جمله را ادا کند که من ایمان دارم که «خدا انسان‌ها را دوست دارد»؛ اما اگر نگرش شناختی او باور باشد، نمی‌تواند «با خرسندی» جمله بالا را ادا کند (Audi, 1991: 216; 1992: 58-59).

برخی شباهت‌های ایمان غیراعتقادی و باور عبارت‌اند از: (Alston, 2007:125)

۱. «هر دو دارای متعلقی گزاره‌ای هستند و به این معناشناختی هستند.» (Audi, 1992:61)

۲. «هر دو کم‌ویش عقلانی هستند.» (Ibid:61; 1991: 217)

۳. «هر دو بر روی رفتار اثر گذارند.» (Ibid: 61)

۴. «هر دو از نظر قدرت و محوریت در جهان بینی فرد نسبت به عالم متفاوت هستند.»

(Ibid)

آئودی با توجه دادن به این شباهت‌ها بر این مسئله تأکید می‌کند که اظهار تفاوت‌ها نباید این برداشت را ایجاد کند که باور و ایمان دو نگرش شناختی کاملاً متفاوت هستند. (Ibid:61-62)

۱,۱,۳. ایمان مستلزم باور نیست

از میان ویژگی‌هایی که بیان شد، آئودی بر چند ویژگی تأکید می‌کند تا نشان دهد «ایمان همان باور نیست» یا «ایمان مستلزم باور نیست». در ادامه با تفصیل بیشتری توضیح داده می‌شوند.

۱. گرایش به باور داشتن با باور داشتن متفاوت است. شاید بر این اساس که «عدم باور به گزاره «گ»، عدم ایمانی به آن را نتیجه می‌دهد»، این نتیجه نادرست گرفته شود که «ایمان به «گ»، باور به آن را نتیجه می‌دهد.» درست است که ایمان به گزاره «گ» این گرایش را در فرد ایجاد می‌کند که به آن باور نیز داشته باشد؛ اما لزوماً نمی‌توان از ایمان به «گ»، باور به آن را نتیجه گرفت.^{۱۱}

۲. هرگاه کسی به گزاره «گ» باور دارد و بعد مشخص می‌شود که این گزاره غلط (false) است، گفته می‌شود: مشخص شد که او در این مورد اشتباه (mistaken) می‌کرده است یا دست‌کم باور نادرستی (wrong) داشته است. اما اگر مشخص شود که کسی به گزاره غلط «گ» ایمان داشته است، گفته می‌شود: مشخص شد او ایمان نابجایی داشته است^{۱۳} و این ایمان بر بادرفته (disappointed)^{۱۴} است. این شکست باعث نمی‌شود گفته شود: او اشتباه کرده است. همان‌طور که ممکن است یک همکار مثبت نگر در دانشگاه به راحتی این مسئله را باور کند که دانشجویی با نمرات بد بتواند پایان‌نامه خود را به پایان ببرد.

۳. در صورتی که بقیه شرایط مشابه باشد، تمایل بیشتری وجود دارد که از غلط بودن باور به «گ» تعجب شود تا از غلط بودن ایمان به «گ».

۴. «اگر تصدیق شود ایمان قوی به «گ» مانع از تردید در «گ» می‌شود و باور ضعیف به «گ» با شک زیاد سازگار است، ایمان به «گ»، در مقایسه با باور به «گ»، با شک بیشتری نسبت به «گ» سازگار است.» (Audi, 1991: 215–217; 1992: 60; 2011: 75–77) به این معنا که شک بر باور، در مقایسه با ایمان، تأثیر بیشتری دارد و بیشتر می‌تواند آن را تضعیف کند؛ تصور کنید فردی ایمان دارد که «خداوند مؤمنین را یاری می‌کند». مواجهه او با مشکلات زندگی باعث بی‌ایمانی او نمی‌شود؛ درحالی که ممکن است فرد باورمند را بی‌باور کند.

۲,۱,۳. برخی سؤالات و اشکالات درباره مفهوم ایمان غیراعتقادی

آئودی از دو انتقاد به رهیافت غیراعتقادی سخن می‌گوید و تلاش می‌کند به آن‌ها پاسخ دهد. انتقاد اول را انتقادی مستقیم و انتقاد دوم را انتقادی غیرمستقیم معرفی می‌کند.

انتقاد اول:

۱. فرد «ف» در ایمان به صدق گزاره «گ» موجه است.
۲. ایمان به صدق «گ» مستلزم باور به صدق «گ» نیست (بر اساس دیدگاه آئودی).
۳. فرد «ف» در ایمان به صدق گزاره «گ» موجه است، اما در باور به صدق «گ» موجه نیست. (۱ و ۲)
۴. اگر «ف» در باور به «گ» موجه نباشد، احتمال کذب آن بیش از احتمال صدق آن است. (در غیر این صورت، باور به «گ» موجه بود؛ به این معنا که شواهد مرتبط، «ف» را در باور به «تقیض گ» موجه می‌سازد؛ نه به این معنا که باید به «تقیض گ» باور بیاورد.)
۵. احتمال صدق «گ» بیش از کذب آن است. (۳ و ۴)
۶. اگر احتمال صدق «گ» بیش از کذب آن است، ایمان به آن نیز موجه نیست.
۷. اگر «ف» در ایمان به صدق «گ» موجه باشد، در ایمان به صدق «گ» موجه نیست. (تناقض) (ضمیمه گزاره ۱ به ۵ و ۶)

آئودی با برخی مقدمات استدلال بالا مخالف است؛ لذا، نتیجه را نمی‌پذیرد. بحث آئودی از توجیه است و نه احتمالات. او «موجه‌بودن» را متضمن «محتمل‌بودن» نمی‌داند؛ اما اگر بنا باشد رابطه‌ای بین احتمالات و موجه‌بودن ایمان برقرار شود، موجه بودن ایمان، متضمن احتمال بالاتر از ۰٫۵ است. بعلاوه، توجیه موردنظر آئودی، نه تنها باور آوردن را به نحو عقلانی روا می‌دارد؛ بلکه اگر باور صادق با این توجیه همراه شود، دانش را بدست می‌دهد. اگر این نوع توجیه در قالب احتمالات قابل فهم باشد، روشن نیست چطور می‌توان در موردی خاص به باوری خداپاورانه، مانند اینکه «خداوند انسان‌ها را دوست دارد» احتمالی را نسبت داد. به نظر آئودی در مورد حقیقت عالم نمی‌توان این‌گونه با احتمالات اظهارنظر کرد. ممکن است منتقد انتقاد مشابهی را در مورد عقلانیت ایمان مطرح کند؛ اما آئودی به دلایل مشابه همین وضعیت را در مورد عقلانیت هم صادق می‌داند (Audi, 1991: 226).

انتقاد دوم:

آئودی از انتقاد دیگری به رهیافت غیراعتقادی سخن می‌گوید. از آنجاکه ایمان غیراعتقادی مستلزم باور نیست، آن‌قدر نیرومند نیست که ارزش دینی لازم را دارا باشد. به تعبیر دیگر، آیا فرد مؤمن می‌تواند زندگی خود را بر چیزی استوار کند که نمی‌تواند به نحو حقیقی به آن باور داشته باشد؟ (Ibid)

آئودی در پاسخ به این اشکال به سه نکته اشاره می‌کند. اول اینکه رفتار دینی فرد می‌تواند محصول ایمان باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند محصول باور باشد. آنچه رفتار فرد را سازمان می‌دهد نباید حتماً بر پایه تصور قطعی باور در مورد جهان باشد؛ بلکه می‌تواند بر پایه تصویری غیرقطعی باشد؛ ولی به نحو شناختی بر پایه ایمان شکل گرفته باشد. دوم اینکه تمام تعهدات راسخ به دین بدون باور به گزاره‌هایی درباره وجود خداوند امکان‌پذیر است. ممکن است فرد باور نداشته باشد که خداوند وجود دارد؛ اما با یقین ایمان داشته باشد که خداوند در زندگی و مرگ فرد فرمانروایی می‌کند. آئودی در این پاسخ بر یقین تأکید می‌کند و این امکان را مطرح می‌کند که یقین فرد می‌تواند کاملاً برآمده از ایمان باشد و نه باور.

آئودی سومین نکته را در قالب چند مقدمه و نتیجه‌ای خاص بیان می‌کند. مقدمه اول اینکه «طبیعی است که آنچه فرد به نحو دینی قبول دارد (hold)، به صورت خصوصی یا عمومی، بیان

کند (say) «مقدمه دوم اینکه «فرد آنچه را که به‌عنوان موضع خود درباره موضوعی مهم پیشنهاد می‌کند معمولاً کاملاً باور دارد و اغلب فکر می‌کند می‌داند». با توجه به این دو مقدمه «عجیب و حتی تا حدی ناراحت‌کننده است که فرد دیدگاه‌های دینی را، یا دست‌کم، دیدگاه‌هایی را که برای تعهد دینی‌اش محوری هستند، به‌عنوان باور مطلق قلمداد نکند». اما به نظر آئودی این ناراحتی (discomfort) ناجاست؛ زیرا از یک سو، «نباید تصدیق دینی (religious assertion) را مشابه تصدیق عادی (ordinary) یا حتی تصدیق درباره حقیقت (scientific factual assertion) قلمداد کرد». به‌عنوان یک تشبیه علمی خوب احتمالاً می‌توان گفت، «تصدیق دینی شبیه تصدیق نظری (theoretical assertion) است که تصدیق نظری نیز مستلزم باور نیست». در نتیجه، نگاه غیراعتقادی به ایمان متضمن پرهیز از بیان علنی، بیان همراه با دودلی یا حتی بیان احتمالی آن نیست. از سوی دیگر، برای عقلانی‌بودن آنچه به‌صورت علنی اظهار می‌شود، نیازی به قرینه یا اثبات نیست و «وقتی پذیرش یک دیدگاه به‌عنوان دیدگاهی محوری در زندگی می‌تواند حتی بدون قرائن کافی برای موجه کردن باور به اینکه درست است تضمین شده باشد، لازم نیست فرد خردورز (rational) از تصدیق علنی آن دیدگاه اجتناب کند.» (Ibid: 226-228).

توجه به تمایزات بیان شده میان ایمان و باور زمینه را برای برداشتن گام بعدی آماده می‌کند؛ اگر این تمایزات پذیرفته شده باشد، می‌توان پذیرفت که معیارهای لازم برای عقلانیت و توجیه ایمان با معیارهای لازم برای عقلانیت و توجیه باور متفاوت هستند. اما مراد آئودی از عقلانیت چیست؟

۲,۳. عقلانیت از نظر آئودی

مفهوم دومی که لازم است از آن بحث شود، مفهوم عقلانیت است. آئودی عقلانیت را دارای سطوح مختلفی می‌داند؛ عقلانیت حداقلی، عقلانیت به معنای هماهنگی با عقل و عقلانیت به معنای معقولیت. «عقلانیت حداقلی» (minimal rationality) چیزی است شبیه به «تحت مالکیت یا تحت تسلط قوای شناختی بودن» تا این حد که لازم نیست به‌صورت رسمی (institutionalized) بیان شود (Audi, 2011:30 from Frances, 2013). اگر فرد دچار سانحه رانندگی شود و عمل جراحی سنگینی روی مغز او انجام شود ممکن است برای

مدت کوتاهی این تملک را نداشته باشد (Ibid: 6). به‌زعم آئودی این عقلانیت را می‌توان به افراد، اعمال و باورها نسبت داد.» (Frances, 2013). کمی بالاتر، از لحاظ معرفت‌شناختی، عقلانیت به معنای هماهنگی با دلیل (reason) قرار دارد.^{۱۵} اما حد بالاتر، عقلانیت به معنای معقولیت (reasonableness) است. یک باور زمانی معقول است که به‌راحتی با دلیل هماهنگ باشد (Audi, 2011: 32 from Frances, 2013). (easily consonant with reason) قید «به‌راحتی» شاید تا حدی مبهم باشد؛ ولی شاید آئودی این قید را به کار گرفته باشد تا بگوید لازم نیست یک باور معقول «به‌صورت فراگیر (جامع، کلی) موجه» (overall justified) یا «بیش از حد موجه» (amply justified) باشد. اگر باوری درست به‌طور فراگیر موجه باشد، معمولاً دانش قلمداد می‌شود (Ibid: 25). به نظر می‌رسد، آئودی به دنبال بررسی عقلانیت ایمان به دو معنای آخر است.

سؤال دیگری در مورد عقلانیت ایمان این است که اساساً پرسش از عقلانیت در مورد کدام یک از ابعاد دین قابل طرح است؟ آئودی سه بُعد مختلف را از هم تمیز می‌دهد که می‌توان سؤال عقلانیت را در مورد آن‌ها پرسید؛ اولین بُعد، بعد هستی‌شناختی است؛ وقتی از این بعد صحبت می‌شود فرد به دنبال حقیقتی است که در پی بیان گزاره‌های دینی مطرح می‌شود؛ برای مثال، وقتی از خدا صحبت می‌شود، حقیقت این خدا چه ویژگی‌هایی دارد. بعد دوم، بعد معناشناختی (semantics) است که به شناختی یا غیر شناختی بودن گزاره‌های دینی می‌پردازد. اگر گزاره‌ای که درباره خداوند صادر می‌شود شناختی باشد، این گزاره قابل صدق و کذب است و نگرشی معنوی (spiritual attitude) یا تصویری رمزی (symbolic picture) ارائه نمی‌کند. بعد سوم، بعد معرفتی (epistemic) است؛ وقتی از این بعد صحبت می‌شود، هم شناختی بودن هم مبانی لازم برای عقلانی دانستن نگرش مورد بحث محوری هستند. این مبانی می‌توانند تجربی، استدلالی یا از انواع دیگر باشند. اگر از منظر معرفتی به دین نگریسته شود، بحث‌هایی چون «معرفت نسبت به خداوند»، توجیه باورهای خداپاورانه، عقلانیت باور یا معیارهای عقلانیت متناسب با ایمان یا امید مطرح است (Audi, 1991: 213-214). عقلانیت مورد نظر آئودی معطوف به بعد سوم است.

۱,۲,۳. عقلانیت باور و عقلانیت ایمان

اکنون که مفهوم ایمان و عقلانیت روشن شد، لازم است به برخی تفاوت‌های عقلانیت باور و عقلانیت ایمان از نظر آئودی اشاره شود.

آئودی این نکته را از نکات محوری بحث خود می‌داند که معیارهای عقلانیت باور از عقلانیت ایمان سخت‌گیرانه‌تر است. ممکن است فرد ایمان عقلانی داشته باشد که برای مثال، دوستش زندگی‌سازنده‌ای را پشت سر خواهد گذاشت حتی اگر برای ایمان خود شواهد کمی داشته باشد؛ حتی ممکن است متوجه شود که شواهد او در بهترین حالت برای شرط‌بندی روی متعلق این ایمان مناسب است نه بیشتر از آن؛ اما در این شرایط لازم نیست حتی باوری احتمالی نسبت به آن گزاره داشته باشد. بعلاوه، آئودی دو گزاره «الف ب است» و «الف امکان دارد» را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و می‌گوید ایمان به اولی نسبت به باور به آن نیازمند پایه‌های بسیار ضعیف‌تری است، درحالی‌که ایمان به اولی نسبت به باور به دومی نیازمند پایه‌های بسیار قوی‌تری است. افزون بر این موارد، ایمان عقلانی از باور عقلانی کمتر در معرض ریسک است و سخت‌تر ابطال می‌شود. آئودی ادعان می‌کند که این مسئله به این معنا نیست که ایمان عقلانی همواره در مقابل شواهد مخالف ایمن است و همین مسئله نشان از مقداری ریسک در ایمان دارد. (Ibid: 219)

۲,۲,۳. تفاوت عقلانیت و توجیه

یکی دیگر از تفاوت‌های کلان طرح (پروژه) آئودی با دیگران در تمایزی است که او بین عقلانیت و توجیه قائل است. آئودی به تأثیر شکاکان اشاره می‌کند و به اعتقاد او بحث‌های شکاکان باعث شده است برای عقلانیت استانداردهای خیلی بالایی لحاظ شود و عقلانیت با توجیه مشابه قلمداد شود. درحالی‌که که به‌زعم آئودی امکان دارد باورهایی عقلانی باشند، اما توجیهی نداشته باشند. پیش از اشاره به تفاوت‌های عقلانیت و توجیه مناسب است روشن شود منظور آئودی از توجیه چیست.

در ادامه به تفاوت‌های تعیین‌کننده‌ای بین توجیه و عقلانیت اشاره می‌شود.

۱. پایه یا پایه‌هایی که برای عقلانیت ایمان یا باور لازم است از پایه یا پایه‌های لازم

برای توجیه ایمان یا باور ضعیف‌تر است (Ibid: 220).

۲. عقلانیت مفهومی کلی‌تر (global) است. به این معنا که ممکن است فرد به‌طور کلی عقلانی باشد؛ با این حال، تنها در بعضی امور خاص مانند یک باور یا عمل می‌توان فرد را به نحو معناداری موجه دانست (Ibid).

۳. منابع عقلانیت و توجیه و نقش آن دو در بحث مصالحه بین عقل و ایمان متفاوت است. عقلانیت با روایی حداقلی (minimal permissibility) سروکار دارد؛ در حالی که توجیه با منابع صدق‌رسان^{۱۶} (truth-conductive sources) سروکار دارد که مهم‌ترین آن‌ها حواس پنج‌گانه، درون‌نگری، حافظه و تأمل (پیشینی) هستند (همان).

۴. عقلانیت را می‌توان با کمک دیدگاهی شناختی که خود فرد را راضی می‌کند، بدست آورد؛ البته در این میان، برخی ملاک‌های بین‌الذهانی مانند سازگاری متقابل بین باورها نیز مؤثر هستند؛ اما در توجیه لازم است معیارهای حداقلی بین‌الذهانی وجود داشته باشند که ریشه در منابع صدق‌رسان دارند. پس به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که اگر باورهای فرد به نحو متقابل سازگار باشند و با تجربه شخصی فرد رد نشوند، حتی اگر هیچ مبنایی برای توجیه آن در دست نباشد، پیش‌فرضی به نفع عقلانیت آن باورها قلمداد می‌شود؛ اما پیش‌فرضی، یا دست‌کم پیش‌فرضی قوی، به نفع توجیه آن باورها دانسته نمی‌شود (Ibid: 221).

۴. راه حل

آنچه تا به اینجا بیان شد، مقدمه‌ای برای ورود به بحث از رابطه عقل و ایمان از نظر آئودی بود. آئودی بر این باور است که ایمان دینی عقلانی است. برای توضیح این دیدگاه باید دست‌کم از سه مفهوم به‌روشنی بحث می‌شد. اول مفهوم ایمان، دوم مفهوم عقلانیت و سوم رابطه عقلانیت و ایمان. پیش از این به دو مفهوم اول پرداخته شد. اکنون نوبت به بحث از رابطه عقلانیت و ایمان رسیده است. به‌زعم آئودی دو گونه مصالحه می‌توان بین عقلانیت و ایمان برقرار کرد؛ یکی مصالحه درونی (internal reconciliation) و دیگری مصالحه بیرونی (external reconciliation). آنچه در مصالحه درونی مهم است، سازگاری و مصالحه میان عقل و ایمان در زندگی فرد مؤمن است. در این رویکرد عقل و ایمان هر دو انضمامی (concrete) و

نسبی هستند. از این جهت انضمامی هستند که در مورد شناخت‌ها و نگرش‌های خاص و مشخصی که فردی خاص آن‌ها را داراست به کار می‌روند؛ یعنی فرد «ف» شناخت‌ها و نگرش‌های مشخصی دارد و در صورت مصالحه بین این شناخت‌ها و نگرش‌ها می‌توان گفت که بین عقل و ایمان مصالحه‌ای درونی برقرار است. به همین دلیل، این رابطه از هر فرد نسبت به فرد دیگر متفاوت است. به تعبیر دیگر این مصالحه، نسبی است؛ اما در مصالحه بیرونی انتظار می‌رود ایمان، مبانی عقلانی‌ای داشته باشد که فرد خردورزی را که نسبت به خدا باوری تعصب ندارد، در پذیرفتن ایمان بر اساس آن مبانی موجه بدارد. در نتیجه، ایمان و عقل در این مورد انتزاعی هستند؛ یعنی در مورد نگرش‌ها و شناخت‌هایی که به منابع یا قرائن قابل دسترس عموم مرتبط هستند، به کار می‌رود و در نتیجه نسبت به افراد مختلف متفاوت نیستند. در مصالحه درونی بیشتر روی عقلانیت و در مصالحه بیرونی بیشتر بر توجیه تأکید می‌شود. آئودی می‌کوشد نشان دهد عقلانیت بیشتر امری فردی است و ممکن است برخی باورها برای فرد «ف» عقلانی باشد؛ در حالی که برای دیگران این‌گونه نباشد؛ زیرا فرد «ف» تجارب و شناخت‌های خاص خودش را داشته است؛ ولی هنگامی که صحبت از توجیه است انتظار می‌رود نوعی وفاق جمعی صورت گیرد و دیگران اقناع شوند. بر اساس مصالحه درونی کافی است گزاره‌هایی که فرد به آن‌ها ایمان دارد به نحو متقابل با یکدیگر سازگار باشند و تجربیات شخصی او آن‌ها را رد نکند، حتی اگر توجیهی به نفع آن‌ها نداشته باشد، پیش فرضی به نفع عقلانیت ایمان در اختیار دارد (Ibid: 221) صحبت آئودی درباره «پیش فرضی به نفع عقلانیت» این تصور را شکل می‌دهد که در صورت سازگاری گزاره‌های مقبول فرد مؤمن و عدم تعارض با تجربه‌های شخصی او فرض بر عقلانی بودن آن‌هاست. آئودی در مصالحه بین عقلانیت و ایمان به دنبال مصالحه درونی است. نتیجه بحث آئودی این است که به نظر او ایمان غیراعتقادی می‌تواند عقلانی باشد بدون اینکه باور متناظر با آن عقلانی یا موجه باشد.

به عنوان نکته پایانی باید خاطر نشان کرد تمرکز آئودی بر عقلانیت «عنصر شناختی ایمان»، به این معنا نیست که تمام عقلانیت ایمان با نشان دادن عقلانیت بخش شناختی آن نشان داده شده است؛ چراکه ایمان بخش نگرشی نیز دارد؛ اما عقلانیت بخش شناختی ایمان، اهمیت بیشتری دارد (Ibid: 224-225) نظریه آئودی البته با انتقاداتی مواجه است که در بخش بعدی به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۵. تحلیل و بررسی

به نظر می‌رسد بخش عمده تلاش آئودی معطوف به بازتعریف مفاهیمی مانند ایمان، توجیه و عقلانیت است. به همین دلیل، انتظار می‌رود بیشترین انتقادات متوجه مقام تصور، به جای مقام تصدیق، باشد.

سؤال مهمی که در این باب باید پرسید این است که آیا مؤمنین، تصور آئودی از ایمان را می‌پذیرند؟ آیا ایمانی که دین از انسان‌ها انتظار دارد، همان ایمانی است که آئودی تصویر می‌کند؟ آیا فیلسوفان، تصور او از عقلانیت را می‌پذیرند؟ اگر پاسخ به این سؤالات مثبت نباشد، کلان‌طرح آئودی شکست‌خورده است؛ چراکه برقراری آشتی میان عقلانیت و ایمانی که مورد قبول مؤمنان، ادیان یا اندیشمندان نیست، بی‌ثمر است.

۱,۵. مفهوم ایمان

تصویر خاصی که آئودی از ایمان ارائه می‌کند بیش از عناصر دیگر نظریه او نقد شده است. اشکال اصلی در اینجا، تمایزی است که او میان ایمان و باور می‌گذارد. درک معنای ایمانی که مستلزم باور نباشد و درعین حال باور ضعیف شده نباشد، کار دشواری است. با توجه به تعریفی که فلاسفه ذهن از باور کرده‌اند نمی‌توان به راحتی درک کرد که چه تفاوت ماهوی‌ای میان ایمان و باور وجود دارد^{۱۷}. باور، بر اساس تعریف، نگرشی (attitude) است که هرگاه چیزی درست پنداشته می‌شود یا درست قلمداد می‌شود، آن نگرش در ذهن فرد شکل می‌گیرد. بعلاوه، بسیاری از فیلسوفان معاصر باور را نگرشی گزاره‌ای می‌دانند؛ یعنی نگرش فرد متوجه گزاره‌ای خاص است. در قبال یک گزاره می‌توان نگرش‌های مختلفی داشت، برای مثال، امید، شک، میل، ترس و البته باور (Schwitzgebel, Eric, 2014). آئودی برای توضیح تفاوت یادشده، در برخی موارد، از مثال‌هایی استفاده می‌کند که درک تفاوت، حتی در همان مثال‌ها نیز مشکل به نظر می‌رسد.

فارغ از این که چه تعریفی از ایمان مقبول است، ایمانی که مستلزم باور نیست، ایمانی که باور به صدق گزاره را دربر ندارد، چگونه برای مؤمنان قابل قبول است؟ (Audi, 1992: 79-80) اما (Audi, 1991: 223) شاید بتوان گفت مؤمن توجه ندارد ایمانش متعلق در واقع ندارد؛ اما نمی‌توان گفت فرد مؤمن با آگاهی از اینکه ممکن است ایمان او متعلق نداشته باشد ایمان خود

را حفظ می‌کند. در این صورت اساساً تفاوت این ایمان با توهم و بلکه بدتر از آن تحمیق خود در چیست؟ شواهدی را که مؤمن برای ایمان خود می‌آورد ناظر به اثبات چه چیزی است؟ کارکرد روانی ایمان؟ اگر این‌گونه باشد، به نظر نمی‌رسد بتوان فردی را که ایمان را صرفاً به خاطر کارکردهای روانی آن می‌پذیرد مؤمن قلمداد کرد. آیا او با ارائه شواهد درصد اثبات صدق ایمان است؟ در این صورت، ایمان او همراه با باور به صدق محتوای ایمان خواهد بود.

آئودی نظریه خود را محدود به الهیات و کتاب مقدس مسیحیان نمی‌داند و دیدگاه خود را قابل به‌کارگیری در مورد اسلام و یهودیت می‌داند (Audi, 2011: x-xi). با این حال، ممکن است با مفهوم ایمان در دین اسلام چندان آشنا نباشد و از این جهت بتوان او را از نقد تبرئه کرد؛ اما از جهت برخی مسیحیان، مانند رادکلیف (Radcliff)، نیز مفهوم ایمان مورد نظر او قابل قبول نیست. رادکلیف هم ایمان غیراعتقادی نگرشی هم ایمان غیراعتقادی گزاره‌ای را در تعارض با مفهوم ایمان سنتی در مسیحیت می‌داند. بعلاوه، او استدلال‌های آئودی به نفع امکان ایمان دینی غیراعتقادی را قانع‌کننده قلمداد نمی‌کند (Radcliff, 1995: 74). به‌زعم رادکلیف، «ایمانی که تماماً غیراعتقادی است، بدون هیچ باور خداپاورانه‌ای که دلالت بر وجود خداوند کند، زاویه تندی با استفاده سنتی از ایمان دارد.» (Ibid: 84) رادکلیف، بسیاری از مسیحیان متعهد را با خود هم‌نظر می‌داند که آنچه برای ایمان مسیحی ضروری است، فراتر از امری صرفاً روان‌شناختی، رابطه‌ای شخصی با خداوند است. در این صورت، نمی‌توان فردی را با ایمان دانست بدون اینکه باور داشته باشد خداوند وجود دارد (Ibid: 58).

البته همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد آئودی ایمان غیراعتقادی و اعتقادی را مکمل یکدیگر می‌داند (Audi, 2011: 79) و به‌طور کلی ایمان اعتقادی را انکار نمی‌کند؛ حتی او به‌صراحت بیان می‌کند که دیدگاه او «متضمن این معنا نیست که ایمان غیراعتقادی به‌طور کلی نسبت به ایمان اعتقادی [ایمانی که متضمن باور است] مرجح است و اینکه ایمان اعتقادی در بسیاری از موارد، از جمله موارد دینی، نسبت به ایمان غیراعتقادی ارجح نیست. ... در حقیقت، دست‌یابی به ایمان غیراعتقادی یا در برخی موارد، حتی یقین، ممکن است هدف طبیعی کسی با ایمان غیراعتقادی باشد. به‌طور مشابه، دست‌یابی به ایمان غیراعتقادی ممکن است هدفی طبیعی برای فردی باشد که صرفاً امید دینی دارد.» (Ibid: 79) اما به نظر می‌رسد سهم زیادی برای ایمان اعتقادی قائل نیست؛ زیرا در جایی اظهار می‌کند که نه ایمان نگرشی نه ایمان گزاره‌ای متضمن

باور نیستند؛ (Audi, 1991: 228; 2008: 93, 100-101) البته او می‌پذیرد که در برخی موارد ایمان گزاره‌ای مستلزم باور است، اما معتقد است در بسیاری از موارد این‌گونه نیست. (Audi, 1992: 79) بعلاوه، آئودی این رویکرد را که «اگر نگرش فرد متضمن باور محض نباشد، دین‌دار دانسته نمی‌شود»، «مبالغه در میزان اهمیت جنبه اعتقادی تعهد دینی» قلمداد می‌کند (Audi, 2011: 80). آئودی معتقد است ایمانی که مستلزم باور نیست، هم می‌تواند نقش محوری در زندگی دینی فرد بازی کند (Audi, 2008: 92).

از طرف دیگر، آئودی تصدیق می‌کند که «احتمالاً در تورات و انجیل و سایر کتب مقدس عباراتی که بر اساس آن‌ها ایمان ظاهراً به نحو غیراعتقادی فهمیده می‌شود نسبت به عباراتی که ایمان غیراعتقادی پیشنهاد می‌شود بیشتر هستند»؛ اما او درصدد نیست که فعالیت الهیاتی (theology) انجام دهد یا کتاب مقدس را تفسیر کند. بلکه کوشش او در این راستاست که بگوید «نگرش‌های غیراعتقادی وجود دارند که از نظر دینی مهم هستند و سزاوار نام «ایمان» هستند» (Audi, 2011: 80). به نظر می‌رسد آئودی دیدگاه گذشته خود را تعدیل کرده است؛ زیرا قبلاً بر این باور بود که ایمان غیراعتقادی برای دینی دانستن فرد کافی است (Audi, 1993: 75).

پذیرش، به‌جای ایمان غیراعتقادی

انتقاد مهم دیگری که به آئودی شده است، انتقاد ویلیام آلستون است؛ او تصویر موردنظر آئودی از ایمان غیراعتقادی را با ابهاماتی روبرو می‌داند. او با آئودی موافق است که رویکردی مثبت نسبت به گزاره‌های دینی وجود دارد که با باور متفاوت است؛ رویکردی مثبت و دینی که می‌تواند نقشی بسیار مشابه نقش باور دینی را در دین بازی کند (Alston, 2007: 123) اما او بر این باور است که ویژگی‌های متعددی که آئودی برای تعریف ایمان غیراعتقادی در مقالات مختلف برشمرده است، به نحو کافی نمی‌تواند روشن کند که مفهوم موردنظر او دقیقاً چیست (Ibid: 138). بعلاوه اینکه هیچ «نگرش گزاره‌ای واحدی» نمی‌تواند تمام ویژگی‌هایی را که آئودی برشمرده است دارا باشد؛ زیرا برخی از ویژگی‌های بیان‌شده مانند ب-۸ («ایمان غیراعتقادی نگرشی مثبت نسبت به یک گزاره است.») با برخی دیگر مانند الف-۵ («ایمان غیراعتقادی مساوی با پذیرش کامل موضوع گزاره‌ای خود نیست») و الف-۷ («ایمان غیراعتقادی مستلزم

تعهد عقلی به موضوع گزاره‌ای اش نیست» به نظر قابل جمع نمی‌رسند (Ibid). آلتون پس از ارائه بحث مفصلی در این باب، بهترین کاندیدا برای ایمان غیراعتقادی مورد نظر آئودی را «پذیرش، همراه با نگرشی مثبت (pro-attitude) نسبت به فهم (realization) گزاره «گ» می‌داند (Ibid). به نظر آلتون ویژگی مهم «پذیرش» که آن را از «باور» برتر می‌کند اختیاری بودن این عمل ذهنی است (Ibid: 132). البته آلتون تأیید می‌کند که این کاندیدای جایگزین نیز تمام خصوصیات مورد نظر آئودی را تأمین نمی‌کند؛ اما آن را هماهنگ‌ترین کاندیدا با روح ایمان مورد نظر آئودی در کلان‌طرح او می‌داند.^{۱۸} (Ibid: 138)

آلتون برای اینکه نشان دهد پذیرش مستلزم باور نیست دو مثال طرح می‌کند که در اینجا تنها به یک مورد آن اشاره می‌شود:

«ژنرالی نظامی را در نظر بگیرید که نیروهایش با نیروهای دشمن مواجه شده‌اند؛ آن‌ها در آستانه جنگ هستند. لازم است ژنرال بر اساس برخی فرض‌ها تصمیم بگیرد که چگونه با نیروهای دشمن وارد نبرد شود. مأمور اکتشاف، اطلاعاتی درباره وضعیت دشمن به ژنرال می‌دهد؛ اما این اطلاعات برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه چنین فرضیاتی آشکارا درست هستند یا حتی با احتمال بالا درست هستند، اصلاً کافی نیست. ژنرال در این موقعیت چه می‌کند؟ او فرضیه‌ای را می‌پذیرد که به نظرش از میان بدیل‌های دیگر محتمل‌ترین است؛ با این حال، او متوجه است که با دانستن اینکه این فرضیه یا هر فرضیه دیگری درست است، فاصله دارد.» (Ibid: 133)

رابرت آئودی با پیشنهاد آلتون موافق نیست و «اعتماد به اینکه...» (trusting that) را گزینه مناسب‌تری برای ایمان غیراعتقادی قلمداد می‌کند. (Ibid, 2007: 243; 2008: 91-92) آئودی ابتدا پذیرش را به دو نوع پذیرش رفتاری (behavioral acceptance) و پذیرش شناختی (cognitive acceptance) تقسیم می‌کند. وقتی فرد با گزاره‌ای الهیاتی مانند اینکه «خداوند انسان‌ها را دوست دارد» مواجه می‌شود آن را بررسی می‌کند و طی فرایندی ذهنی و اختیاری آن را می‌پذیرد. منظور از «پذیرش رفتاری» این عمل پذیرش ذهنی است که مستلزم باور نیست و منظور از «پذیرش شناختی»، حالت پذیرشی است که نتیجه این عمل

اختیاری است و معمولاً مستلزم باور است (Audi, 2008: 90-91). سپس، آئودی از آن «عمل اختیاری» که نتیجه رسیدن به حالت شناختی است می‌پرسد و دو چالش مهم را مطرح می‌کند. اول اینکه «به فرض که بتوانیم به صورت غیرمستقیم باعث شکل دادن چنین حالاتی شویم؛ مثلاً خودمان را در معرض محرک‌های خارجی خاصی ... قرار دهیم؛ آیا می‌توانیم به صورت مستقیم، یعنی با اختیار، باعث شکل گرفتن چنین حالاتی شویم؟» آئودی شک دارد که فرد بتواند چنین کند. در واقع، فرد می‌تواند بستر را فراهم کند؛ اما وقتی مقدمات فراهم شد به نظر می‌رسد، واکنش سامانه شناختی او به آن مقدمات امری اختیاری نیست. دومین چالش اینکه «حتی اگر بتوانیم به صورت مستقیم این کار را انجام دهیم، آیا این کار همان پذیرش رفتاری است؟» پاسخ آئودی به این سؤال نیز منفی است. به نظر او در مثال ژنرال نظامی لازم نیست ژنرال به مرحله پذیرش شناختی وارد شود. او صرفاً فرضیه محتمل‌تر را به عنوان فرضی که در اینجا به کار می‌آید می‌پذیرد. در اینجا بحث از «تصمیم‌گیری برای عمل کردن به نحوی خاص» است. در نتیجه، این مثال، مصداقی برای «اراده برای باور کردن» یا همان «پذیرش رفتاری» نیست (Ibid: 91).

گذشته از انتقاداتی که در رابطه با تصویر آئودی از ایمان مطرح است، به تصویر او از عقلانیت نیز انتقاداتی وارد است.

۲.۵. مفهوم عقلانیت

یکی از اشکالاتی که برای نمونه فرانسیس (Frances) به کلان طرح آئودی در باب رابطه عقلانیت و ایمان وارد کرده است این است که آئودی تعریف خاصی از عقلانیت را ارائه کرده است که در این نزاع مطرح نیست (Frances, 2013). آئودی عقلانیت را از توجیه متمایز کرد و از میان عقلانیت درونی و بیرونی بر عقلانیت درونی تأکید کرد. به نظر می‌رسد، اصل نزاع مخالفان عقلانیت ایمان در چارچوب عقلانیت بیرونی معنادار خواهد بود.

مشکل معیار

اشکال دیگری که در این باب قابل طرح است متوجه فقدان معیار عقلانی بودن و درعین حال موجه نبودن ایمان باز می‌گردد که نگارنده آن را مشکل معیار نامیده است. توجیه، اصطلاحی تعریف‌شده در معرفت‌شناسی است که با وجود اختلاف نظرها منابع و روش کسب مشخصی دارد.

به این معنا که با مراجعه به آثار معرفت‌شناسان می‌توان دریافت که منابع توجیه کدام منابع هستند؛ برای نمونه، تجربه حسی، شهود عقلی، استدلال و... و روش‌های توجیه چه روش‌هایی هستند؛ برای نمونه، روش قیاسی یا روش استقرایی یا روش‌های دیگر. اما روشن نیست عقلانیت موردنظر آئودی که لزومی ندارد توجیه به معنای معرفت‌شناختی را همراه داشته باشد، از چه منابعی حاصل می‌شود و با چه روش‌هایی به دست می‌آید؟ عبارات کیفی این مشکل را حل نمی‌کنند؛ به این معنا که آئودی معتقد است عقلانیت با سخت‌گیری کمتری حاصل می‌شود تا توجیه؛ اما چطور می‌توان مشخص کرد که حد کم‌وزیاد این سخت‌گیری کجاست؟ البته با توجه به اینکه آئودی بیشتر به دنبال مصالحه درونی است، شاید کافی باشد که فرد مؤمن ایمان خود را عقلانی بداند؛ در اینجا معیار، شخص مؤمن است. اما آیا مصالحه بین عقلانیت و ایمان به این شکل قابل قبول است؟

البته تفکیک مشروعیت (legitimacy) و اقناع‌کنندگی (persuasiveness) در باب توجیه کاملاً درست است. به این معنا که توجیهی ممکن است صورت استدلالی درستی داشته باشد؛ اما مخاطب را قانع نکند و اقناع شدن تا حدی امری وابسته به شخص است. اما نکته اول اینکه این تفکیک جایی معنادار است که صورت و محتوا را بتوان از هم تفکیک کرد؛ ولی در مورد عقلانیتی که لزومی ندارد توجیهی همراه داشته باشد و در نتیجه، صورتی مانند صورت توجیه‌های مورد قبول ندارد و تنها محتوا و صرفاً اقناع‌کنندگی است، این تفکیک معنادار نیست. این امر باعث می‌شود مسئله عقلانیت به امری کاملاً شخصی بدل شود. مشکل اصلی در همین جاست؛ این امر پذیرفته شده است که در عقلانیتِ عملی خاص یا باوری خاص، فردی، به خلاف دیگران، اقناع شود؛ اما چطور می‌توان درباره مشروعیتِ عقلانیتِ موردنظر آئودی اظهارنظر کرد؟ چطور می‌توان ایمان خرافی را از ایمان حقیقی متمایز کرد؟

۶. نتیجه‌گیری

بحث اصلی آئودی در این مقاله در رابطه با عقلانیت ایمان است. در این مقاله، تنها از آراء آئودی در باب عقلانیت بعد شناختی تعهد دینی که به نظر او ایمان مهم‌ترین یا شاید تنها مؤلفه آن باشد صحبت شده است. بعلاوه، او از میان انواع ایمان، بحث خود را بر ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی متمرکز می‌کند. به این معنا که ایمان موردنظر او از یک‌سو، می‌تواند در قالب گزاره

بیان شود و از سوی دیگر، مستلزم باور یا مساوی با باور به متعلق گزاره‌ای ایمان نیست. تصوّر آئودی از ایمان غیراعتقادی در قالب چهار شبکه مفهومی نمایانده شد که در اینجا تنها به برخی از عناصر آن اشاره می‌شود. آئودی ضمن پذیرش برخی شباهت‌ها میان ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی و باور مطلق مانند شناختی بودن، گزاره‌ای بودن، کم‌وبیش عقلانی بودن و تأثیرگذار بودن هر دو در رفتار، به تفاوت‌های مختلفی میان آن‌ها اشاره می‌کند. به‌عنوان نمونه، ایمان موردنظر او، در مقایسه با باور، بیشتر با شک سازگار است. یا اینکه اگر مشخص شود که گزاره «گ» کاذب است، در مورد باور نسبت به ایمان غیراعتقادی تمایل بیشتری برای تعجب‌کردن وجود دارد. یا اینکه ایمان به گزاره «گ» این گرایش را در فرد ایجاد می‌کند که به «گ» باور نیز داشته باشد؛ با این حال، آئودی نمی‌پذیرد که ایمان به «گ» همان باور ضعیف به «گ» است؛ زیرا باور ضعیف را به‌طور معمول به معنای عدم اطمینان‌بخشی یا به معنای مستحکم نبودن یا عدم پایداری در برابر فراموشی و از بین رفتن در طول زمان یا فروریزی آسان در برابر ادله مخالف می‌داند. به نظر آئودی، ایمان نیز دارای شدت و ضعف است؛ ولی ایمان ضعیف، ایمانی نیست که صدق متعلق گزاره آن احتمال کمی داشته باشد؛ بلکه ضعیف‌بودن ایمان به فقدان نیروی پشتیبانی‌کننده رفتار، احساسات و شناخت صاحب ایمان مربوط است. ایمان عمیق می‌تواند شک‌های فرد در مورد «عشق خداوند» یا «خیرخواه بودن» را فرونشاند؛ ایمان غیراعتقادی می‌تواند تمام زندگی فرد را در برگیرد و فراموش نشود و در مقابل دلایل مخالف خود به‌آسانی تسلیم نشود، در صورتی که باور ضعیف این ویژگی‌ها را ندارد. افزون بر این‌ها، او نمی‌پذیرد که ایمان، باور احتمالی به «گ» است. ممکن است فرد اعتقاد راسخی به این واقعیت داشته باشد که جهان قلمرو خداوند است و تعهد غیرقابل تزلزل و عمیقی به این مسئله داشته باشد؛ اما چنین باوری نداشته باشد. البته باور احتمالی به گزاره «گ» با ایمان غیراعتقادی به آن سازگار است و از طرف دیگر، فقدان باور مطلق به گزاره گ، فقدان باور احتمالی به آن را به همراه دارد. از نظر آئودی ایمان، نگرشی مثبت به گزاره «گ» است که اعتقادی راسخ به آن را در بر دارد؛ ایمان می‌تواند قوی و تزلزل‌ناپذیر باشد؛ ایمان متضمن اعتمادی شناختی به صدق «گ» است. ایمان با عدم باور به گزاره «گ» نیز سازگار نیست و شاید همین ویژگی باعث شده باشد که افراد به این نظر نادرست برسند که ایمان مستلزم باور است.

پس از ارائه تصویر آئودی از ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی، دیدگاه او درباره عقلانیت بیان شد. به نظر آئودی از آنجاکه ایمان و باور دو نگرش گزاره‌ای متمایز هستند، عقلانیت متناسب با خود را طلب می‌کند. معیارهای عقلانیتِ باور نسبت به معیارهای عقلانیتِ ایمان سخت‌گیرانه‌تر هستند. به‌زعم آئودی ایمان عقلانی نسبت به باور عقلانی کمتر در معرض ریسک است و سخت‌تر ابطال می‌شود. بعلاوه، پایه‌های لازم برای باور به گزاره «الف ب است» بسیار قوی‌تر از پایه‌های لازم برای ایمان به این گزاره است. آئودی در بحث خود، به تمایز دیگری هم متوسل می‌شود که از پایه‌های اصلی بحث اوست و آن تمایز، تمایز میان عقلانیت و توجیه است. او در این راستا دست‌کم به چهار تمایز اصلی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. پایه‌ای که برای عقلانیت ایمان یا باور لازم است از پایه توجیه ایمان یا باور ضعیف‌تر است. ۲. عقلانیت مفهومی کلی‌تر است. درحالی‌که، توجیه مفهومی است که بر اساس مبناهای خاصی باور صادق را به دانش تبدیل می‌کند. ۳. منابع عقلانیت و توجیه و نقش آن دو در بحثِ مصالحه بین عقل و ایمان متفاوت است. عقلانیت با رواییِ حداقلی سروکار دارد؛ درحالی‌که، توجیه از منابع صدق‌رسان برمی‌خیزد. ۴. عقلانیت را می‌توان با کمک دیدگاهی شناختی که خودِ فرد را راضی می‌کند، بدست آورد؛ البته در این میان، برخی ملاک‌های بین‌الذنهانی مانند سازگاری متقابل بین باورها نیز مؤثر هستند؛ اما در توجیه لازم است معیارهای حداقلی بین‌الذنهانی وجود داشته باشند که ریشه در منابع صدق‌رسان دارند. پس به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت اگر باورهای فرد به نحو متقابل سازگار باشند و باتجربه شخصی فرد رد نشوند، حتی اگر هیچ مبنایی برای توجیه آن در دست نباشد، پیش‌فرضی به نفع عقلانیت آن باورها قلمداد می‌شود؛ اما پیش‌فرضی، یا دست‌کم پیش‌فرضی قوی، به نفع توجیه آن باورها دانسته نمی‌شود. تمایز دیگری که در بحث عقلانیت حائز اهمیت است تمایز میان دو نوع مصالحه بیرونی و درونی بین عقل و ایمان است. در مصالحه درونی لازم است بین گزاره‌هایی که فرد مؤمن به آن‌ها ایمان دارد و عقلانیت سازگاری باشد؛ ولی در مصالحه بیرونی باید برخی گزاره‌ها که به‌عنوان گزاره‌های مورد قبول مؤمنین است (نه یک مؤمن خاص) با عقلانیت به‌نحوی که مورد قبول یک فرد شکاک معتدل یا فردی که نسبت به خدا باوری خنثی است، قرار بگیرد. در مصالحه درونی بیشتر بر مسئله عقلانیت تأکید می‌شود درحالی‌که در مصالحه بیرونی بیشتر بر مسئله توجیه تأکید می‌شود. آئودی در کلان طرح خود بر مصالحه درونی تأکید می‌کند.

درنهایت با توجه به مجموع آنچه بیان شد، می‌توان گفت به‌زعم آئودی اگر از ایمان گزاره‌ایی که با باور مطلق متفاوت است و مستلزم آن نیست، عقلانیت متناسب با آنکه مساوی با توجیه ایمان نیست طلب شود، میان عقلانیت و ایمان، دست‌کم، مصالحه درونی می‌تواند برقرار باشد. در بخش پایانی مقاله نقدهایی در رابطه با نظریه آئودی بیان شد. بخش عمده تلاش آئودی متوجه بازتعریف مفاهیمی مانند ایمان، توجیه و عقلانیت است. انتقادات مختلفی هم به مفهوم ایمان هم به مفهوم عقلانیت بیان شد که مهم‌ترین آن‌ها در مورد ایمان، ابهام موجود در این مفهوم است و اینکه به نظر می‌رسد هیچ نگرش گزاره‌ای وجود ندارد که همه ویژگی‌هایی را که آئودی در رابطه با ایمان بیان می‌کند دارا باشد؛ زیرا برخی از آن‌ها با برخی متعارض به نظر می‌رسند. گذشته از این موارد، به نظر می‌رسد ایمانی که مستلزم باور نباشد مطلوب ادیان و مقبول مؤمنان نیست. در بخش عقلانیت نیز به نظر می‌رسد آئودی تعریف خاصی از عقلانیت را اختیار کرده است. عقلانیت موردنظر آئودی با این مشکل مواجه است که ملاک‌های روشنی برای تعیین آن ارائه نشده است.^{۱۹} بعلاوه به نظر می‌رسد نزاع در بحث عقلانیت ایمان بیشتر بر سر مصالحه بیرونی است تا مصالحه درونی؛ درحالی‌که آئودی بر مصالحه درونی تأکید دارد. با توجه به انتقاداتی که بیان شد به نظر می‌رسد دیدگاه آئودی قرین موفقیت کامل نشده است.^{۲۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. نماد «گ»، در سراسر مقاله به‌جای «گزاره خاصی مانند «گ»» استفاده می‌شود و منظور از ایمان به «گ»، ایمان به اینکه گزاره «گ» است. مثلاً ایمان به اینکه «خداوند انسان‌ها را در زندگی پس از مرگ بازخواست می‌کند».

۲. آئودی تفاوت‌هایی بین این دو مفهوم و مفهوم معقولیت و دانش نیز قائل است که برای آگاهی از آن می‌توانید به‌عنوان نمونه به کتاب زیر مراجعه کنید:

Audi, *Rationality and religion commitment*, oxford university press, 2011, New York, United state, 1th edition

۳. بر اساس این رویکرد، تجارب دینی می‌توانند به نحو غیر استنتاجی باورهای مربوط به خداوند را تضمین کنند.

۴. برای آگاهی از برخی از این مشکلات از نظر آئودی می‌توانید مراجعه کنید به: (به نقل از Audi, 1991: p.237)

Audi, Robert, "Acting for Reasons," the Philosophical Review XCV, 1986.

۵. آئودی در دسته‌بندی دیگری، ایمان را دست‌کم به هفت نوع تقسیم می‌کند (Audi, 2008: 92-95) و درجایی دیگری، نوع دیگری را نام می‌برد که در این لیست نیامده است (Audi, 2003: p.81-82 (به نقل از Radcliff, 1995: p.73))
۶. با اینکه نگارنده ترجمه «غیراعتقادی» را چندان رسا نمی‌داند؛ اما ترجمه بهتری برای آن نیافت.
۷. این چهار شبکه معنایی از مقاله انتقادی آلتون (Alston, 2007: p.124-125) گرفته شده‌اند؛ البته در مواردی که منبع اصلی ذکر شده است، به منبع اصلی رجوع شده است.
۸. این معنای تقریبی موردنظر آئودی از "flat out belief" به‌تصریح خود اوست: باور صرف و مطلق به گزاره گ. (Audi, 1992: p.57)
۹. به علت عدم دسترسی به همه این مقالات، ارجاعات مقالات ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳ به نقل از آلتون آمده است.
۱۰. آئودی باور کردن گزاره «گ» را معادل با باور به صدق آن نمی‌داند؛ به همین دلیل ممکن است «فردی بپذیرد که گزاره‌ای صادق است؛ اما به آن باور نداشته باشد» (Audi, 1992: p.92, footnote12)
۱۱. در ابتدای بخش بعدی (بخش ایمان مستلزم باور نیست) توضیحاتی درباره تمایز «گرایش به باور به «گ»» و «باور به گ» ارائه شده است. آئودی این تمایز را مفصلاً در مقاله Audi, Robert, "Dispositional Beliefs and Dispositions to Believe", Noûs, (1994), Vol. 28, No. 4, 419-434, توضیح داده است.
۱۲. برای تفصیل بیشتر در این مورد می‌توانید به این مقاله آئودی مراجعه کنید (به نقل از Audi, believing and affirming, 1982: (1991, p.236, fn 7)
۱۳. مثل اینکه می‌گوییم او جای خوبی سرمایه‌گذاری نکرد.
۱۴. از آنجا که این صفت را برای فرد به کار نبرده است و برای ایمان او به‌کاربرده است، به نظر می‌رسد، این معنا مناسب‌تر باشد.
۱۵. آئودی کتابی با عنوان «معماری عقل: ساختار و ماده اصلی عقلانیت» به رشته تحریر درآورده است که دیدگاه مبسوط خود را درباره عقلانیت در آنجا مطرح می‌کند و برای مطالعه بیشتر در باب عقلانیت می‌توانید به این کتاب مراجعه کنید. در این کتاب، آئودی عقلانیت را بیشتر به معنای هماهنگی با دلیل (consonant with reason) آورده است. (Audi, 2001, p.52)
۱۶. صدق رسانی (truth-conducivity) در مورد «باور موجه» به این معناست که «باور موجه باید نسبت مناسبی با صدق داشته باشد. یعنی موجه بودن باور موجب افزایش احتمال صدق محتوای آن شود.» (زمانی، ۱۳۹۱، ۱۳۸)

۱۷. البته متناسب با بحث آئودی، منظور از ایمان، در اینجا، ایمان گزاره‌ای است؛ به راحتی می‌توان درک کرد که میان ایمان نگرشی (نوعی تکیه کردن و پذیرش) و باور گزاره‌ای تفاوت ماهوی وجود دارد.
۱۸. آلتون در مقاله دیگری قبلاً از این ادعا دفاع کرده است که عنصر شناختی (cognitive) در ایمان دینی به جای باور (belief)، پذیرش (acceptance) است. (Alston, 1996) حمید وحید این دیدگاه را نقد کرده و ادعا کرده است که آنچه آلتون تحت عنوان «پذیرش» بیان کرده است، «اگر همان باور نباشد نوعی از باور است»؛ بعلاوه اینکه «تفسیر او از ایمان دینی در قالب «پذیرش» هیچ پیشرفتی نسبت به تحلیل معیار از «درجات باور» به همراه ندارد.» (Vahid, 2009, p.29)
۱۹. دست‌کم تا جایی که نویسنده مطلع است.
۲۰. با تشکر از آقای دکتر هادی صادقی به خاطر نکاتی که برای بهبود این مقاله مطرح کردند.

منابع

- زمانی، محسن. (۱۳۹۱)، *آشنایی با معرفت‌شناسی*، تهران: هرمس.
- Audi, Robert, (1991) "Faith, Belief, and Rationality", *Philosophical Perspectives*, 5, 213-239.
- Audi, Robert, (1992), "Rationality and Religious Commitment", in *Faith, Reason, and Skepticism*, ed. Marcus Hester, Philadelphia, Temple University Press.
- Audi, Robert, (1993), "The Dimensions of Faith and the Demands of Reason", In *Reasoned Faith*, ed. Eleonore Stump, Ithaca, N.Y., Cornell University Press. (Alston, 2007 استفاده از این منبع (به علت عدم دسترسی) به نقل از)
- Audi, Robert, (2001), *The Architecture of Reason: The Structure and Substance of Rationality*, 1th edition, New York, USA, Oxford University Press.
- Audi, Robert, (2003), "The Theology of Faith and the Ethics of Love: A Philosophical Perspective", In *Religion in der Moderne*, ed. Rainer Berndt, Wurzburg, Germany, Echter. (Alston, 2007; Radcliff, 1995)
- Audi, Robert, (2007) "Justifying Grounds, Justified Beliefs, and Rational Acceptance", in *Rationality and the Good: Critical Essays on the Ethics and Epistemology of Robert Audi*, ed. Mark Timmons, John Greco, Alfred R. Mele, 1th edition, New York, USA, Oxford University Press.

- Audi, Robert, (2008) "Belief, faith and acceptance", *International Journal of Philosophy of Religion*, 63: 87 – 102.
- Audi, Robert, (2011), *Epistemology (contemporary introduction to the theory of knowledge)*, 3th edition, New York, USA, Routledge.
- Audi, Robert, (2011), *Rationality and religion commitment*, 1th edition, New York, United state, Oxford University Press.
- Schwitzgebel, Eric, spring (2014) "Belief", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N. Zalta (ed.), <http://plato.stanford.edu/archives/spr2014/entries/belief/>.
- Radcliff, Dana M., (1995), "Nondoxastic faith: Audi on religious commitment", *International Journal for Philosophy of Religion*, 37: 73-86.
- Alston, William, (1996), "Belief Acceptance and Religious Faith", in *Faith, Freedom, and Rationality: Philosophy of Religion Today*, ed. Jeff Jordan, Daniel Howard-Snyder, Maryland, USA, Rowman & Littlefield.
- Alston, William, (2007) "Audi on nondoxastic faith", in *Rationality and the Good: Critical Essays on the Ethics and Epistemology of Robert Audi*, ed. Mark Timmons, John Greco, Alfred R. Mele, 1th edition, New York, USA, Oxford University Press.
- Vahid, Hamid, (2009). Alston on Belief and Acceptance in Religious Faith1. *The Heythrop Journal*, 50(1), 23-30.
- Frances, Bryan. 2013, "Robert Audi, Rationality and Religious Commitment, Oxford University Press, 2011, 311pp", Notre Dame Philosophical Reviews, <http://ndpr.nd.edu/news/41388-rationality-and-religious-commitment>